

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عنایت الله آشفته

۱۲ مارچ ۲۰۱۳

چرا فعالان سیاسی ما نتوانسته اند کار (افغانستان شمول) انجام دهند.

اگر نهاد واقعاً مستقل است و باورمند به سیاست فارغ از قوم، سمت، زبان، تنظیم، تحریک و... هستیم، پس مشکل کجاست!؟

هموطنان ما شاهد یک سلسله فعالیت های صلح جویانه بوده و با ایجاد شورا، جرگه، حرکت، انجمن، کمیسیون، اتحادیه و... نهادهای مدنی به تدویر کنفرانس ها، سمینارها و جلسات متعدد در داخل و خارج کشور دست یازیده اند. ظاهراً هریک از این نهاد های محترم، آرزوی داشتن یک افغانستان واحد، صلح آمیز و با ثبات را اشاعه می دارند، خردگرایی و بلوغ سیاسی دست اندرکاران این نهادها و فعالان، یک نوید خوب بوده و جا دارد کار دوستانی که در زمینه از عیب و نقص کمتر بر خوردار است، به دیده قدر نگریسته و تحسین می نمایم. تعدای از فعالان این نهادها خوشبختانه در اثر نتایج و پیامدهای ننگین و فاجعه بار ۳۳ ساله گذشته به این درک و باور عالی رسیده اند، که هر چند ناوقت هم که هست به حکم منطق ناگزیر و مجبوریم برای گذار و شکستن بن بست موجود و آینده بهتر متکی به خود بوده و از تجارب تلخ تاریخ خود باید درس عبرت آموخت. زمان آن فرا رسیده تا سکوت را در برابر رهبران بی کفایت سیاسی خود و نظام متعلق به ایشان شکسته و آواز حق طلبانه خویش را بلند نمایم.

به دلیل جلوگیری از به شهادت نرسیدن بیشتر هموطنان اسیر، دردمند و سوگوار ما که هر روز در اثر عملیات های ظالمانه عاملین جنگ تحمیلی و تقبل قربانی نیروی افغان در سه جهت " تلفات نیروهای ملکی بی دفاع افغان، تلفات نیروهای دولتی معاش بگیر و محتاج نان آور به زن و فرزند، و جمع دیگر که عمدتاً تنظیمی و امتیاز بگیر اند، افغان و تلفات نیروهای مقاومت مجاهدان و طالبان افغان" که این مصیبت و نفاق افغان کُشی از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ با حمایت شوروی ها آغاز و تا امروز ادامه دارد. جز خرد فرزندان صدیق، آگاه و دلسوز خود افغان هیچ ناجی دیگری خداوند خلق نکرده و منتظر نشستن نیز گناه کبیره است. زیرا انسان، اشرف مخلوقات بوده و ما باید برای تغییر وضع کشور خود کاری انجام دهیم. واضحاً در اثر ریختن خون افغانها، یک جنگ فرسایشی نیابتی و استخباراتی رقبای کشور های دور و نزدیک با پلان های طویل المدت به پیش بُرده می شود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

از همین جاست که باید برای بقای کشور ما به ابتکار افغان و توسط فرزندان آگاه و دلسوز خود افغان پلانی برای نقطه پایان بدبختی افغان ها گذاشته شود. این عمل خیر و شریفانه انسانی، افغانی و اسلامی مستلزم اراده و تصمیم یک

مجموعه کارآمد متشکل از فرزندان حق‌بین، حقگو، آگاه، شجاع، دلسوز، فداکار، ایثارگر، مؤمن، مبارز، مخلص به وطن و مردمش نیازمند است.

این مجموعه ای متشکل از افراد و اشخاص نیک نام اهل علم و سیاست مکلف اند برای حل معضله افغانستان واحد، فارغ از دیدگاه و قضاوت های حزبی، قومی، زبانی، تنظیمی، سمتی، وابستگی های شخصی ایدئالوژیکی به احزاب، تحریک و سازمان های سیاسی خویش، و با قطع روابط تشکیلاتی خود، می توانند بهتر گره گشاه و طرح مؤثر قابل قبول و افغانستان شمول ارائه نمایند.

در غیر آن با حفظ احترام به حقوق فردی و شخصیت شان، چون حزب و مقام رهبری ایشان در لجن امتیاز، فساد و اشغال علناً سهم اند، بناءً ادعای کاذبانه ای به نام نهاد مستقل (!!!) مطرح شده نمی تواند.

بناءً جامعه ای به شدت آسیب دیده افغان که در یک فضای عدم اعتماد، عمداً به وجود آورده شده "که در قدم اول خود ما افغانها مقصر اصلی آن هستیم" به جلسات مشترک افغانی که دور از نفوذ عناصر ضد ملی، دنباله رو و فرصت طلب باشند، با آجدای تأمین منافع علیای کشور، وحدت ملی، تأمین صلح عادلانه و باعزت و طرد چهره های بد نام آزمون شده با واقعبینی، برای ایجاد فضای اعتماد، اتحاد و ثبات سیاسی کشور، از ضروریات عاجل ما می باشد.

روی این ملحوظ از وظایف خطیر انسانی، ملی، افغانی و اسلامی هریک ما به خصوص از نهاد های به وجود آمده جامعه مدنی اجتماعی سیاسی که ادعای غیر وابستگی نیز دارند، می باشد تا به این اصل و وجیه ملی خود پی برده و برای ایجاد فضای تفاهم، اخوت و برادری، اعتماد و منافع ملی خویش که بسیار ساده لوحانه و ناعاقبت اندیشانه و با قضاوت های نهایت بی بنیاد و عجولانه از دست داده ایم، با هوشیاری و دقت، منحيث اشرف مخلوقات هرچه زود تر مجدداً به دست آریم.

این هدف والا و سترگ ملی، انسانی و شریفانه زمانی ممکن و مقدور بوده می تواند که دست اندرکاران، کدرهای میانه، جوان و نسل های دوران جهاد مقدس و جنگ های کور بی هدف تحمیلی و تنظیمی به نا فهمی سیاست مداران خود کامه، خود خواه و بی کفایت، آله دست اغیار و جهاد فروشان، آگاه بوده و از تجارب تلخ آنان جداً درس عبرت گرفته باشند.

این هموطن شما که مثل میلیونها وطن دوست دیگر از اوضاع حاکم در کشور متضرر بوده، در سطح فهم و درک ناچیز خود در اندیشه و فکر بوده و به راه بیرون رفت حل عادلانه قضیه سیاسی کشور منحيث یکی از قربانیان و فرزند متعهد و وارث به این خاک مقدس، به خود حق داده، در کنار سائر فرزندان ایثارگر و سنگرداران حفظ شرف، غرور، وحدت ملی و تمامیت ارضی، عاجزانه و بدون مُدعا مُخلصانه به عرض می رسانم که حل قضیه سیاسی افغانستان فقط منوط و مربوط به محدوده جغرافیای افغانستان نبوده و صرف مقاومت مسلحانه با قیمت نهایت گزاف ریخته شدن خون میلیونها افغان آزاده مسلمان از دُنیا بی خبر و شکم گرسنه نبوده، بل مثل همه جنگ های خورد و بزرگ و کشمکش های جهانی بُعد سیاسی، تبلیغی و لابیستی داشته و تفاهم قدرتهای بازیگر جهان، کفایت و ابتکار لازم در میز مذاکره نقش جدی و رول تعیین کننده دارد. همه بشریت واقعبین جهان، متفق القول اند که: **حق گرفته می شود و داده نمی شود.** بناءً مقاومت به حق مجاهدان افغان که در اثر حمله عجولانه امریکا و ائتلاف جهانی و دولت ناکارآمد به وسیله کنفرانس اول بن به وجود آمد، حق طبیعی و قانونی اکثریت قاطع و خاموش مردم افغانستان تلف گردیده و در نظر گرفته نشده است.

علاوئاً در اثر بر خوردهای انتقام جویانه و بلند پروازانه مفسدین دولت، در برابر مردم بی دفاع کشور به خصوص مناطق جنوب کشور، مخالفین و رُقبای اشغال در منطقه و استخبارات همسایگان آشنا در قضیه افغانستان یک بار دیگر با زمینه مساعد، و مهاجرت های تحمیلی مجدد به خارج کشور به وجود آمد. همسایگان آزمون شده و در کمین نشسته ما

مداخله نموده و بار دیگر توانستند رهبری مقاومت را به نفع امیال شوم شان در اختیارخویش نگهداشته و در دشمنی رُک و راست با ملت واحد افغانستان، رُقبای منافع خویش را وادار به باج دهی و درهم پیمانی خود بکشاند.

حالا دیگر به هرمجاهد راستین اسلام و طالب حقیقی روستائی دیروز، روشن و آشکار گردیده است که: دولت مردان کشور های همسایه، وطندوستان حقیقی کشور های خویش اند. که مثل هرسیاست مدار دیگر صرف به منافع کشور متبوع خود می اندیشند. و نه برای منافع بیگانه ها ! همانگونه که رهبران شوروی با حکومت و رهبران وابسته به خود وفادار نماند و در نهایت به رهبران مجاهدین در معامله به فروش رسانیده شدند.

و همانگونه که ایران و پاکستان به احزاب خود ساخته و رهبران تقلبی و تحمیلی برمجاهدین، در جنگ های تحمیلی و تنظیمی ضد ملی و ضد اسلامی به ضد هم قرار دادند، و درظهورتحریک طالبان کمک نموده، همه رهبران مجاهدین را به پای ملامحمد عمرآخند در بست سودا و تکرار بازی را درحادثه ۱۱ سپتمبر با امریکا انجام داده، رهبران طالب را به زندان ها افکنده و مورد معامله قرار گرفتند. امروز نیزعین تلاش را دارند تا مثل دوران جهاد یک بار دیگر ثمره پایمردی و بهای ریختن خون مقاومت گران افغان را در انحصارخویش نگهداشته به نیابت از مقاومت مجاهدان، کشور ثالث یا استخبارات کشورهای بیگانه در غیاب ملت واحد افغانستان به میز مذاکره در عقب درهای بسته نمایندگی نمایند. که این کمبود و ضعف به گمان این حقیر هیچ مدان اما "قلم متعلق به اکثریت خاموش" به شکل نهایت برجسته اش از زمان جهاد علیه شوروی ها تا امروز با تأسف به قوتش باقی مانده است.

مبارزات آزادی خواهانه ملت واحد افغانستان همیشه برنده میدان جنگ و بازنده میدان صلح بوده، که این بارچنین مباد! با توجه به این همه حقایق تلخ و انکار ناپذیر باز هم فعالان و دست اندرکاران افغان و اهل سیاست ما اگر امریکا، روس و چین را مقصر می دانند، یا سیاست های الحادی و کفری را مسؤول این نفهمی ها می دانند، یا دولت های عربستان سعودی، مصر، ترکیه، کشورهای اتحادیه عربی قطر، ایران پاکستان و ... کشورهای اسلامی را خدا ناخواسته نامسلمان و همه را آلت دست استکبار قلمداد می نمایند! و خود را مسلمان تر از دیگران و در میز مذاکره به دستور دیگران و مطابق منافع کشورهای رقیب حضورفعال و شایسته گرفته نمی توانند، و تا هنوز اسلام عزیز و استقلال کشور را در دنبال رهبران که آدرس های شان؟! عمداً گم و نا معلوم؟ وانمود می گردد! جُست وجو نمائیم، در واقع معنای این همه، توهین به ملت آزاده افغان تلقی شده می تواند و بس. به امید وحدت کُلیه نیرو های ملی گرا، آزادیخواه، وطن دوست، متعهد به یک افغانستان واحد و یک پارچه!

پایان

2013/03/11